

دو هفته نامه سرخط بسیج دانشجویی دانشگاه خلیج فارس

شماره ۱۳۹۹ نیمه دوم آبان ۹۹ سال سیزدهم

قیمت : ۲۰ دقیقه وقت گرامی شما

سرخط

پژده



SARKHAT\_JOURNAL

وقایع:

- 1 آبان شهادت مظلومانه آیت الله حاج سید مصطفی خمینی
- 4 آبان شهادت حضرت امام حسن عسکری علیه السلام
- 5 آبان آغاز امامت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه)
- 8 آبان شهادت محمدحسین فهمیده (بسیجی 13 ساله)
- 8 آبان روز نوجوان و بسیج دانش آموزی
- 8 آبان ولادت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله به روایت اهل سنت - آغاز هفته وحدت
- 10 آبان شهادت آیت الله قاضی طباطبائی اولین شهید محراب به دست منافقان
- 13 آبان تسخیر لانه جاسوسی آمریکا به دست دانشجویان پیرو خط امام
- 13 آبان روز ملی مبارزه با استکبار جهانی
- 13 آبان روز دانش آموز
- 13 آبان تبعید حضرت امام خمینی (ره الله علیه) از ایران به ترکیه
- 13 آبان میلاد حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و روز اخلاق و مهرورزی
- 13 آبان ولادت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مؤسس مذهب جعفری

۱۴

آبان ماه ۱۳۹۹



نشریه بسیج دانشجویی



SARKHAT\_JOURNAL

برای ارتباط با ما، ارائه ی پیشنهاد و یا انتقاد از  
طریق فضای مجازی باما در ارتباط باشید

دانشکده پردیس-طبقه اول-  
سمت چاپ-انتهای راهرو

### شناسنامه سرخط

| صاحب امتیاز   | مدیر مسئول | سردبیر                                 | طراح                | هیئت تحریریه                                                                                                          |
|---------------|------------|----------------------------------------|---------------------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| بسیج دانشجویی | علی عمرانی | محمد امین نورانی<br>محمد امین میرشکاری | سید امیر حمزه حسینی | متین خورشیدی، سید میثاق هاشمی،<br>محمد مهدی فرجی، پویا حاجی زاده،<br>حمزه کرمی، حسین اسلامی، علی<br>بهمنی، شاگرد هایک |

## فهرست

- |    |                            |    |                             |
|----|----------------------------|----|-----------------------------|
| ۳  | دو روی یک انتخاب (سرمقاله) | ۱۱ | اقتصاد قسمت ۲ (ایران مدرن)  |
| ۴  | رهبر کوچک                  | ۱۲ | جهان اسلام                  |
| ۵  | آزادی بیان به سبک ماکرون   | ۱۳ | گجیک خوان                   |
| ۶  | یک گله نابجا               | ۱۴ | یک اتفاق                    |
| ۸  | آنها که هستند؟ قسمت ۲      | ۱۴ | منهاج                       |
| ۹  | استیضاح حسن روحانی...      | ۱۵ | معرفت مهدوی                 |
| ۱۰ | عشق پست مدرن قسمت ۸        | ۱۶ | مکتب امام (ره)/یک صفحه کتاب |

”

در مورد آمریکا، سیاست ما یک سیاست حساب شده و مشخصی است و این سیاست، با رفت و آمد اشخاص تغییر پیدا نمی‌کند. حالا امروز انتخابات آمریکا است، بعضی‌ها همین طور حرف می‌زنند راجع به اینکه چه کسی بیاید، چه کسی نیاید، اگر این بیاید چه میشود، اگر آن بیاید چه میشود. خوب بله، ممکن است حوادثی اتفاق بیفتد، اما به ما ارتباطی نخواهد داشت؛ یعنی در سیاست ما هیچ تأثیری نمیگذارد؛ سیاست ما حساب شده است، مشخص است و رفت و آمد اشخاص در آن تأثیر ندارد

رهبر انقلاب در سالگرد مراسم ۱۳ آبان - سه شنبه ۱۳۹۹/۸/۱۳

“



سرمقاله

سخن

## دو روی یک انتخاب

این روزها در هر جمعی صحبت از نتیجه انتخابات آمریکا و اثرات انتخاب یکی از این دو نامزد انتخاباتی بر روابط ایران و آمریکا است و بسیاری این انتخابات را سرنوشت‌ساز ترین انتخابات بر روابط ایران و آمریکا میدانند. این درحالی است که بحران اجتماعی و سیاسی در آمریکا به بالاترین حد خود رسیده است.

در این میان آغاز مناظرات ریاست جمهوری، آتش مناقشات و اختلافات درونی را شعله ور تر کرده است. اوضاع اجتماعی و سیاسی آمریکا به حدی بحرانی است که تعداد زیادی از رسانه های آمریکایی نسبت به بروز جنگ داخلی در آمریکا هشدار داده اند.

همه این تفاسیر نشان دهنده افول دولت آمریکا و از دست دادن جایگاه رهبری خود در مناسبات جهانیست.

با این حال هنوز در ایران عده ی زیادی چشم به انتخابات آمریکا بسته اند و شرایط اقتصادی و سیاسی مردم را به نتیجه آن گره زده اند تا جایی که امیدوارند با ریاست جمهوری جو بایدن دموکرات بتوانند دوباره با آمریکا بر سر میز مذاکره

بنشینند.

با وجود اینکه سیاست های خصمانه آمریکا در مقابل ایران، وابسته به حزب و جناح رئیس جمهور آمریکا نیست و هرکدام که به ریاست جمهوری برسند این سیاست فشار حداکثری را ادامه میدهد، اما رابرت اوبرایان مشاور امنیت ملی رئیس جمهور آمریکا هفته گذشته به خبرنگاران گفت: «دیگر امکان اعمال تحریم‌های بیشتر بر علیه ایران را نداریم.» این اظهارات در زمانی صورت گرفت که صادرات فراورده های نفتی ایران افزایش چشمگیری داشته و نشان از ناکامی آنها در اعمال سیاست فشار حداکثری است. این نکته نیز نباید فراموش شود که گذار آمریکا از یک کشور ابرقدرت به یک کشور عادی قطعی است و مهم تر از نتایج انتخابات آمریکا، فردای پس از آمریکاست. افول یک ابر قدرت، شاید به سان شوری و شاید هم وخیم تر.



## رهبر کوچک

نویسنده: حمزه کرمی

ناقوس جنگ که به صدا درآمد، نیروهای مردمی به فرمان جهاد امام (ره)، گروه گروه عازم جبهه ها شدند؛ جوان و نوجوان، پیر و پا به سن گذاشته!

کم سن و سال ترها اما، داستان شان متفاوت بود. می دانستند که جبهه جای بازی نیست. سروکارشان با توپ و تانک و تفنگ است. عشق به امام (ره) و شوق جهاد آنان را در همان صغر سن به چنان درکی رساند که حاضر باشند از جان عزیزشان در راه خدا بگذرند. جبهه، برای شان ممنوعه بود. اما برای اعزام از هیچ کاری دریغ نمی کردند. از دستکاری شناسنامه، تا فرار ...

چندسالی میشد که محمدحسین به اتفاق خانواده به کرج آمده بودند. گیر و پیگیری هایش برای حضور در جبهه شروع شد... به هر دری میزد اما هر بار به بن بستی تازه می خورد. می خواستند از خانواده اش تعهد بگیرند اما با شجاعت گفت این کارها فایده ندارد؛ اگر امام بگوید، به هر کجا که باشد، آماده رفتن هستیم.

بالاخره محمدحسین به گروهی از دانشجویان انقلابی دانشکده افسری برخورد می کند و با اصرار فراوان به فرمانده شان، او را متقاعد می کند که اجازه دهد یک هفته در جبهه حضور داشته باشد.

در همان مدت کم مجروح می شود و او را به بیمارستان می برند ولی با همان حال به جبهه برمی گردد. فرمانده با حضور او در خط مقدم مخالفت می کند. محمدحسین با چشمانی پر از اشک می گوید: من به شما ثابت می کنم که می توانم به خط مقدم بروم و لیاقت آن را دارم.

او برای اثبات لیاقت خود یک بار به تنهایی به میان عراقی ها رفته و لباس و اسلحه ای از عراقی ها به دست می آورد و در هیبت یک عراقی به نیروهای خودی نزدیک می شود. فرماندهان که شجاعت و اراده اش را می بینند به او اجازه ی ماندن می دهند.

یک ماه از شروع جنگ گذشته بود. ۸ آبان ۱۳۵۶، وقتی بعضی ها در حمله به خرمشهر نیروهای ما را محاصره کردند و عرصه بر رزمندگان لحظه به لحظه تنگ تر می شد، حسین متوجه تانک های عراقی شد که به رزمندگان ما نزدیک و نزدیک تر می شدند. هیچ چیز جلودارشان نبود. مگر یک چیز؛ ایمان فهمیده... تعدادی نارنجک را شجاعانه به کمر بست. و به طرف تانکها دوید و خود را زیر یکی از تانک ها انداخت.

صدای انفجاری مهیب، دود و بوی باروت همه جا را پر کرد... بعضی ها از ترس تانک ها را رها کردند و پا به فرار گذاشتند. محاصره شکسته شد و محمدحسین تمام تار و پودش را با خاک وطن در آمیخت.

امام خمینی (ره) در وصف حماسه ای که این نوجوان آفرید فرمود: رهبر ما آن طفل سیزده ساله ای است که با قلب کوچک خود که ارزشش از صدها زبان و قلم بزرگتر است، با نارنجک، خود را زیر تانک دشمن انداخت و آن را منهدم نمود و خود نیز شربت شهادت نوشید.

در روزگاری شخصیت های غیرواقعی انیمیشن ها و فیلم های هالیوودی را برای نوجوانان مان بزرگنمایی می کنند، ما قهرمانی داریم که با ۱۳ سال سن، در جنگی واقعی و نابرابر، یک تنه در مقابل تانک های دشمن ایستاد و آنها را شکست داد. فهمیده ها کم نیستند؛ فقط نامشان کمرنگ شده. و حداقل کاری که از دستمان برمی آید، شناختن و شناساندن این قهرمانان و آشنا کردن فرزندانمان با آن هاست. صد افسوس و دریغ که عده ای کوتاه فکر و نمک شناس نام و یاد این شهید والامقام را از برخی کتب درسی حذف کرده اند؛ کسانی که مقام و منصب هایشان را مدیون خون شهدا و مدافعان دفاع از کشور اند.

محمدحسین های ما، همان قاسم هایی هستند که شهادت را شیرین تر از غسل می بینند. قاسم هایی که در نوجوانی از تمام خوشی هایشان گذشتند تا ایران عزیز و مقتدر بماند؛ برای همیشه. قاسم هایی که اگرچه اکنون پشت میز درس هستند، اما فردا و فرداهای ایران زمین را رقم می زنند. آینده یک ایران اسلامی قوی.

## آزادی بیان به سبک مکرون

نویسنده: پویا حاجی زاده

این اولین باری نیست که دولت مردان و مطبوعات فرانسوی به اسلام توهین می کنند. در فرانسه فشارها بر مسلمانان باعث شده است که اکثر آنان به صورت شهروندان درجه دوم باشند و در قسمت های فقیرنشین مشخص شهرها زندگی کنند. در سال های اخیر سخن از باز گرداندن مسلمانان مهاجر به آفریقای شمالی زده می شود و هر روزه وحشت از آنچه که «بنیاد گرایی اسلامی» نامیده می شود، افزایش می یابد. موضوع از قتل ساموئل پتی، معلم تاریخ یکی از مدارس حومه پاریس به دست یک نوجوان ۱۸ ساله به نام «عبدالله یزیدویچ آ» بهانه ای شده است تا دوباره فرانسوی ها به مقدسات مسلمانان توهین کنند، این نوجوان پس از قتل معلم به محاصره ی پلیس فرانسه در می آید و در حالیکه الله اکبر گویان به تهدید مسلمانان می پرداخته با شلیک ۱۰ گلوله کشته می شود. گویا آزادی بیان در فرانسه بخشی از دروسی بود که این معلم فرانسوی تدریس آن را برعهده داشته است که برخی از والدین دانش آموزان مسلمان از تدریس مفاهیمی در کلاس های او که به باور آنها «ضد اسلامی» بود، شکایت داشتند. این والدین ها به نشان دادن کاریکاتورهای توهین آمیز به پیامبر اسلام که این معلم آن ها را نشان می داده معترض بودند. این کاریکاتور ها در مجله ی شارلی ابدو فرانسه چاپ شده بود. درونمایه این مجله لحنی انتقادی دارد و خط مشی اعلام شده آن فعالیت های ضد نژادپرستی است. انتشار کاریکاتورهای موهن در یک نشریه فرانسوی در دو هفته گذشته خشم جوامع اسلامی را برانگیخته است که این خشم با سخنان «مانوئل ماکرون» در چهارشنبه هفته گذشته که به حمایت از این اقدام به بهانه آزادی عقیده پرداخته بود، دو چندان شده و مقامات بسیاری از کشورها موضع رئیس جمهور فرانسه را محکوم کرده اند. ماکرون اسلام را دینی افراطی دانسته و از انتشار کاریکاتورهای موهن به مقدسات اسلامی حمایت کرد و آن را حمایت از ارزش های سکولاریسم دانسته و بیان کرد که حمله به معلم فرانسوی تمام ویژگی های یک «حمله تروریستی اسلامگرایانه» را دارد و معلم مدرسه به

خطر «آموزش آزادی بیان» به قتل رسیده است! «ماکرون مسلمانان را مسئول قتل این معلم معرفی کرده بود و مدعی شد، مسلمانان قصد نابودی این کشور را دارند. وزیر کشور فرانسه نیز با ادعای تلاش در مبارزه با افراط گرایی مذهبی از بستن دست کم ۷۳ مسجد و مدرسه خصوصی اسلامی در سراسر فرانسه از ماه ژانویه به این سو خبر داد. در پی این اتفاق مقامات ایرانی و خارجی این اهانت های ماکرون را محکوم کردند. رهبر معظم انقلاب و بسیاری از مقامات سیاسی کشورهای مسلمان و غیرمسلمان، اهانت های ماکرون را محکوم و توهین به پیامبر اسلام را مورد انتقاد قرار دادند. بخشی از توثیق رهبر انقلاب که به زبان فرانسوی هم نوشته شده است این چنین است: «جوانان فرانسه! از رئیس جمهور خود بپرسید: چرا از اهانت به پیامبر خدا حمایت می کند و آن را آزادی بیان می شمارد؟ آیا معنی آزادی بیان این است: دشنام و اهانت، آن هم به چهره های درخشان و مقدس؟ آیا این کار احمقانه، توهین به شعور ملتی نیست که او را به ریاست خود انتخاب کرده است؟ مدتی بعد از توثیق رهبر انقلاب، ماکرون در عقب نشینی آشکار از مواضع ضداسلامی خود گفت: احساسات مسلمانان را در قبال کاریکاتورهای موهن درک می کند. عده ای هستند که اسلام را تحریف می کنند و به نام این دین ادعای دفاع از آن را دارند. وی در ادامه افزود: کاریکاتورها یک پروژه دولتی نیستند بلکه کاری برآمده از روزنامه هایی اند که وابسته به دولت نیستند. با تمامی اتفاقات اخیر و حواشی و جنجال های پیش آمده و واکنش های متعدد پیش آمده نسبت به این اتفاق و رنجش مسلمانان سراسر دنیا بابت این اظهار نظر توهین آمیز، توقع می رود وزارت امور خارجه که نقش اصلیه آن رسیدگی به امور بین المللی می باشد برخورد و واکنش جدی و قاطعی را نسبت به این اتفاق نشان دهد و ضمن پیگیری و کنترل این مسئله نسبت به اتفاقات پیش آمده ی این چنینی ممانعت به عمل آورد. هم چنین این مسئله در کنار تمامی نکات منفی و حواشی ای که داشته یک نکته ی مثبت بسیار حائز اهمیت را می تواند به همراه خود داشته باشد که این موضوع اتحاد و کنارهم آمدن و گردهم آمدن بیشتر جوامع مسلمان در سرتاسر دنیا در برابر این اهانت و یکدست تر شدن هرچه بیشتر مسلمانان سرتاسر دنیا چه شیعه و چه سنی را می تواند به همراه داشته باشد.

## یک گله نابجا

نویسنده: حسین اسلامی

باید گریست به حال کسانی که باورها و عقاید خود را ارزان می فروشند. انسان های کم خود بینی که داشته هایشان را هیچ می انگارند و برایشان مرغ همسایه غاز است.

چه طور می شود که فردی تاریخ و تمدن خود را فراموش کرده و با موج رسانه ای ایجاد شده به راحتی همراه شود. مشکل کجاست؟ عقاید دیروز پوچ بوده یا انسان های امروز؟

چرا خودمان به دنبال حقیقت نمی رویم و منتظریم دیگران برایمان نسخه بپیچند؟ دشمن چگونه و تا کجا نفوذ کرده است که این قدر ساده رنگ عوض می کنیم؟

پیرو حق باشید، فارغ از دل بستن و پیروی از انسان هایی که ممکن الخطا هستند. که اگر این گونه شد با یک اشتباه هم باعث فرو ریختن باور خود و هم اطرافیانتان خواهید شد. امیر مؤمنان علی (ع) در حدیثی فرمودند: حق با شخصیت ها شناخته نمی شود، حق را بشناس تا اهل آن را بشناسی!

باید آگاه باشیم و در زمین دشمن بازی نکنیم و خیلی ساده باورهای خود را نفروشیم، بهای شما خداست، خود را به هر چه غیر او ارزان فروخته اید و در این هیچ شکی نیست.

چندی پیش نامه ای از سمت اساتید و هیئت علمی دانشگاه تحت الشعاع خبر شایعه خودکشی محمد ۱۱ ساله، خطاب به رئیس جمهور در فضای مجازی منتشر شد و دست به دست چرخید.

دردناک بودن خبر خودکشی یک دانش آموز به خودی خود آن قدر ناراحت کننده است که مخاطب را متأثر کند ولی نه تا جایی که ابزار دست رسانه هایی شویم که خیلی وقت است صف خود را نه از انقلاب و نظام جمهوری اسلامی بلکه از ملت شریف ایران جدا کرده اند و بارها بدون اعتنا به خواست مردم، مشغول بهره برداری سیاسی برای رشد و افزایش بودجه سالیانه خود بودند!!!

بدون شک مشکلات فعلی کشور و به طور خاص فقر و تبعیض با

سیاست های کلان کشور ارتباط مستقیم دارد. ولی سوال اینجاست که تعیین کننده این سیاست های کلان در اقتصاد، صنایع و معادن کشور و یا تعیین خط مشی سیاسی کشور کیست؟؟ به راستی شما که از مفاخر به نام و سرمایه های استان هستید و سر رشته امور را در دست دارید چه کسی را مقصر طراز اول این شرایط می بینید؟ مقصر اصلی کارشکنی ها و دزدی ها و رانت ها و فساد های اقتصادی نه تنها در سطح استان بلکه در سطح کشور کیست؟؟ هنگام واگذاری پروژه ها تصمیمات چه کسی مهم است و چه کسی با بی اعتمادی به نیروهای بومی و سرمایه انسانی قصد خروج منابع را دارد؟؟ عامل اصلی فروش نفت خام در کشور چیست و چه کسی آن را مدیریت می کند؟؟

حقوق اجتماعی، سهم فروش نفت خام استان های نفت خیز و یا حق آلاینده ای این صنایع عظیم استان کجا حیف و میل میشود که نه آثارش را در زندگی و معیشت مردم استان و نه در ارتقای فضای شهری استان نمیبینیم و آیا اصلاً برنامه ای برای پیشرفت و اعتلای سطح زندگی مردم وجود دارد که بخواهیم دنبالش بگردیم؟؟؟

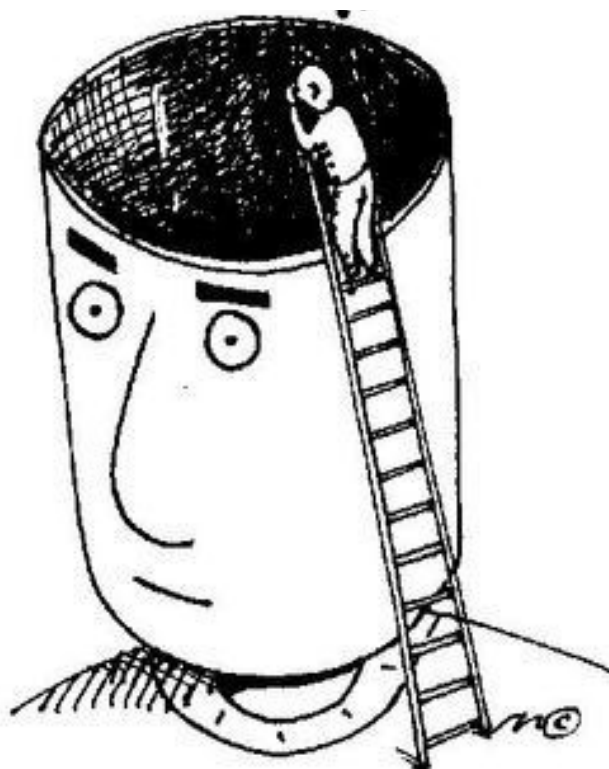
مگر علت اصلی فقر سیاست های نادرست اقتصادی و شکاف عمیق بین مردم و مسئولین نیست؟؟؟ و مگر تعیین کننده این سیاست ها دولت نیست؟؟؟

حال وقت آن رسیده به جای خط دهی به رسانه های معلوم الحال و نوشتن شکوه و ... اندکی تفکر کرده و پاسخ گوی انتخاب خود باشید، عکس های حمایتی، تبلیغات در جمع دانشجویان، متون تحلیل فواید برجام و مذاکره با آمریکا، نقل و قول های مختلف از حضرات و ... موجود است.

و این گونه شد که در بهبویه هجوم بیماری منحوس کرونا به جای حضور در جلسات و ... خانه نشینی رئیس جمهوری را ببینیم که زمانی دم از تدبیر و حل مسائل کشور و صنعت کلید سازی میزد و اکنون سلامتی خودش برایش بیشتری اهمیت دارد. هنگامی که

چرا در اعتراض نیروهای بومی منطقه ویژه به عدم دخل و تصرف در مسائل کلان و تصمیمات اساسی ورود نکرده اید؟ متأسفانه هنگامی که پاسخ بسیاری از این چراها و چگونه های فراوانمان را می سنجیم، متوجه تناقض اساسی در رویکرد اتخاذ شده توسط حضرات می گردیم و در پاسخ به این شخصیت دوگانه تنها میپرسیم به جای نشان دادن نقطه ضعف ها و نخ نما کردن این مسائل تنها نکته ای که می توان گفت این است که چرا خود که مختصص و کاملاً آگاه بر شرایط هستید سعی در برطرف کردن این مسائل با تربیت نیروهای متعهد نداشته اید و قدمی در این راه بر نداشته اید؟ با انتشار این قبیل نامه ها خواسته یا ناخواسته در زمینی پا به میدان گذاشته اید که بازی گردانش شما نیستید و هدفی جز دشمنی با مردم ایران را دنبال نمی کنند.

(يُرِيدُونَ أَن يُطْفِئُوا نَوْرَ اللَّهِ بِأَفْوَهِهُمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَن يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ)



مهم ترین جلسه کشور یعنی جلسه سران قوا به دلیل ترس از ابتلا به بیماری کنسل می شود و شبهه هایی ایجاد میکند که آیا خطر ابتلا از آرایشگر شخصی کمتر از شرکت در جلسه ایست که با معیشت و وضعیت مردم ارتباط مستقیم دارد؟؟ شما که خود از اساتید به اصطلاح بنام کشور، در صنعت نفت و گاز و پتروشیمی هستید هنگام حمایت از دولت و در پیش گرفتن رویکرد فعلی متوجه آن نشدید که دواي درد این کشور همان انقلاب مستضعفین و قطع ید وابستگی به کشور های خارجی است و به جای صادرات نفت خام که گاهی در بازار آشفته بعد از کرونا با قیمت منفی نیز صادر می گشت، میشد با بهره بری در داخل کشور و تکیه بر اقتصاد مقاومتی با راه اندازی پتروپالایشگاه ها پس از تصفیه نفت خام به بنزین و محصولات این چینی، هم بهتر برای آن در کشور های همسایه بازار پیدا کرد و هم کشور خود را از نیاز به واردات بی نیاز کرد؟؟ چگونه دواي علاج این صنعت را در قراردادهای ترکمان چای IPC و.... دیدید؟

یا هنگام انتشار نامه وزیر کشور به وزیر نفت جهت منع استخدام نیروهای بومی در استان مرزی نیازی ندیدید که اعتراضی کنید؟؟

نکته جالب توجه در این شکوه نامه این مسئله است که تکرار شدن این دست حوادث برای دیگر جوانان و نوجوانان استان روحتان را مکدر ساخته در حالیکه بعضاً در شرایط فعلی و آموزش مجازی با بی توجهی به خواسته های دانشجویان و یا مشکلاتی که دانشجویان در امر آموزش مجازی نظیر قطعی اینترنت، قطعی برق و عدم دسترسی به سیستم و.... نداشته اید و حتی سعی نکردید راهکاری را اتخاذ کنید که کمترین آسیب به این عده برسد. چگونه از فدا شدن این عده کثیر واهمه و نگرانی ندارید؟؟؟

سقراط، افلاطون، برتراند راسل.

خاک راه مشخص می کند. خاک راه همه رابه تو می گوید. این که چه کسی، چه مسیری، با چه توانی و برای چه، طی کرده است. آری، همه اش در خاک راه نهفته است.

زن اروپایی، واقعا او کیست؟ یک دختر رویایی اهل یکی از دشت های شاپر لندن یا زن های مقيم هالیوود هیلز؟ زن اروپایی سختی کشیده است. ما تنها با هم چند ورق از تاریخ غرب را داشتیم، نه زندگی در انرا. اینها همه نگاهی گزارش وار بود تا در این فرصت بتوان از آن گفت که خود من هم، با شیوه اش موافق نبودم. اما همین گزارش هم کفایت میکند. هنوز عصر روشنگری مانده. هنوز دومینویی که اسمش را "دومینوی شیشه ای" می گذارم، شروع به افتادن نکرده. این خط هایی که ما را همراه با روز های تلخ و شیرین زن های اروپایی کرده آن هم به اختصار، هنوز به نقطه اوجش نرسیده است. زن اروپایی، از بی عدالتی خسته شده، از اینکه او را انسان نمی بینند خسته شده، همین، فقط همین. اما برق نعل آزادی، سم کوب قلب بشر، خواهد بود.

رفته رفته زد و خورد های سرمایه داران زیاد می شود. کسانی که روزی صاحب زمین و سکه های فراوان بودند و در کلیسای خود تکیه بر مرکب شاهانه می زدند یا آنان که سوار بر ابر های باران خیز، از زمین های حاصل خیزشان

دیدار می کردند، با خطری روبرو شده

اند. نو کیسه گانی که بدنبال باز

کردن جای خود هستند. کم کم

بوی مدرنیته قویتر می شود.

می دانید شاید باید بگویم

غرب حق دارد. آنها به

ناحق به خودشان سخت

گرفتند، به ناحق، و می

گیرند. خود غرب هم ابایی

نداشت. او خود را برای

بازگشت آماده می کرد، بازگشت به آنچه روم و یونان روزی داشتند. آنها هرچه رشته بود را می خواستند پنبه کنند. هم حق داشتند و هم نداشتند. اما جنگ سرمایه داران تنها یک روی سکه است.

عصر روشنگری شروع شده است. میدانید، افراطیونی رفتند و افراطیونی آمدند. از کجا باید دانست؟ اینکه تمامی آنچه بود را نمی خواستند! قصد داشتند فاصله ما بین سقوط تاریخ باستانشان را تا همان روز و لحظه ای که در آن نفس می کشیدند، پاک کنند؛ تاثیراتش را، پاک کنند. فرصت گفتن همه جوانب کار نیست، اما ندا سر داده شد: "فقط انسان و فقط انسان"

هر آنچه او بگوید. پرده ها کنار رفته، موجود افسانه ای بالاخره از درون اجساد مرده بیرون می آید، اومانیسیم.

یک فرصت دیگر فراهم شده است. شاید زنان از این نمد، بتوانند کلاهی برای خود بدوزند. اومانیسیم چشم در چشم روزگار ایستاده: انسان، و هر آنچه انسان بگوید، و هر آنچه انسان بخواهد. عجیب است. انسان؟ زنان به هم نگاه می کنند. مطلوب امروز چیست؟ آیا فرصت ماست؟ آیا این همان نقطه عطف زندگی ما خواهد بود؟ آیا دخترانمان روزی به ما افتخار خواهند کرد؟ ما انسان شمرده می شویم؟

انسان، اما زن انسان نیست. هوای نمناک اسکله،

دود های آتش. خیر زن انسان نیست.

دوباره بهت. پس حقوق ما چه

می شود؟ مگر قرار نبود

هر آنچه انسان می

گوید و انسان؟.

به واقع آنها که

هستند؟ در قسمت بعد

خواهیم خواند....

## آنها که هستند؟

شماره ۲

نویسنده: سید امیر حمزه حسینی

## استيضاح حسن روحانی....

نویسنده: محمد مهدی فرجی

کلیدواژه این روزهای برخی نمایندگان مجلس! اصلاً سوال اصلی استيضاح در شرایط فعلی به صلاح است یا خیر؟!

کلاً استيضاح یکی از سازوکارهای سیاسی مورد استفاده در سیاست داخلی برخی کشورهای جهان است به طوریکه عرصه مناسبات دو قوه ی مقننه و مجریه است که مردم ارتباط غیر مستقیمی با این امر دارند و آن هم از طریق نمایندگان مردم در مجلس این امر میسر است. با توجه به شرایط حاد این روزهای کشور استيضاح چندان عقلانی به حساب نمی آید که در ادامه ضمن اشاره به نظر رهبر معظم انقلاب در پیرامون آن به طرح بحث میپردازیم. به آمریکا اشاره میکنم ریچارد نیکسون دوسال بعد از قبول صندلی ریاست کاخ سفید در سال ۱۹۷۱ به علت رسوایی واترگیت مجبور به ترک کاخ سفید شد. در سال ۲۰۱۸ سه حزب مخالف امانوئل مکرون در فرانسه به دنبال استيضاح او بودند که سرانجام موفقیت آمیز نبود. در کشور خودمان ابوالحسن بنی صدر اولین و تنهائیس جمهور استيضاح شده تاریخ جمهوری اسلامی است. با در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در فصل ششم عنوان قوه ی مقننه در مبحث دوم تحت عنوان «اختیارات و صلاحیت مجلس شورای اسلامی در ارتباط با استيضاح رییس جمهور» در اصل هشتادونهم مسئله استيضاح را به شرح زیر مورد پذیرش قرار داده است:

برای استيضاح رئیس جمهور باید حداقل یک سوم از نمایندگان مجلس شورای اسلامی رئیس جمهور را که در مقام اجرایی کشور قرار دارد را مورد استيضاح قرار دهند، رئیس جمهور باید ظرف مدت یک ماه پس از طرح آن در مجلس حاضر شود و در خصوص مسائل مطرح شده توضیحات کافی بدهد در صورتی که از پس بیانات نمایندگان مخالف و موافق و پاسخ رئیس جمهور

اکثریت دو سوم کل نمایندگان به عدم کفایت رئیس جمهور رای دادند مراتب جهت اجرای بند دهم اصل یکصدودهم به اطلاع مقام معظم رهبری میرسد. بحث دیگر این روزها نمایندگان به دنبال پرسش از رئیس جمهور هستند که تفاوت آن با استيضاح بحث حقوقی آن است که در زمان استيضاح نمایندگان بعد از شنیدن صحبت های رئیس جمهور رای گیری در خصوص ادامه کار به رئیس جمهور میدهند ولی در بحث پرسش از رئیس جمهور رای گیری مطرح نیست. دلیل به وجود آمدن این صحبت ها تشدید وحشتناک مشکلات اقتصادی و ناکامی ستاد ملی مبارزه با کرونا در جلوگیری از شیوع شتابان ویروس کرونا در کشور که این روزها متأسفانه شاهد از دست دادن هموطنان خود هستیم. برخی چهره های منتقد در مجلس شورای اسلامی دوره یازدهم و نیز منتقدان خارج از مجلس گمانه زنی هایی را مبنی بر لزوم استيضاح حسن روحانی، رئیس دولت دوازدهم مطرح کردند.

این موضوع البته مخالفان زیادی دارد و مخالفان بر این عقیده هستند که استيضاح رئیس جمهور آن هم در ماه های پایانی عمر دولت به صلاح نیست و هزینه های سنگینی برای کشور دارد. مقام معظم رهبری هم تلویحاً از مخالفت خود با این امر صحبت با کردند زیرا این کار را بازی کردن در نقشه دشمن میدانند. ایشان در نظر گرفتن مصالح نظام اسلامی، در ارتباط تصویری با نمایندگان ها ملت در مجلس شورای اسلامی تاکید کردند «سال آخر دولت معمولاً سال حساسی است و باید مراقبت شود که پیگیری امور به هیچ وجه سست نشود و بر همین اساس اعتقاد راسخ دارم که دولت ها باید تا روز آخر وظایف خود را انجام دهند و بعد از پایان دوره قانونی خود، امانت را ارائه صورت وضعیت به دولت بعدی تحویل دهند» هدایت مقام معظم رهبری و استفاده ایشان از کلید واژه «تا روز آخر» سبب شد بسیاری از نمایندگان مجلس از طرح استيضاح رئیس جمهور منصرف شوند. با امید به اینکه دولتمردان تمام توان و انرژی خود را صرف حل مشکلات معیشتی، رفاه، آسایش و کمک به حل بحران کرونا کنند و بتوانیم از این مشکلات باهمدیگر عبور کنیم..

ایران، دهه ی پنجاه شمسی...

فرهاد، خسته از کوهکنی های بی فرجامش، علی رغم میل باطنی، بیستون را رها کرده به تهران رفت. نامبرده به فساد سیستماتیک دربار شاهنشاهی اعتراض داشت. او معتقد بود خسرو ساواکی ست و شیرین را با زر و تزویر طاق زده. وگرنه شیرین که شور جفاپیشگی نداشت، فرهاد زورش را زد اما به زندان افتاد و عمال خسرو زیر شکنجه ها شیری که از مادر خورده بود را از بینی اش بیرون کشیدند. او در زندان با لیلی و مجنون آشنا شد و در بحبوحه ی انقلاب به همراه ایشان آزاد گردید. تنها یک سال از انقلاب نگذشته بود که لیلی و فرهاد قصد رخ دادن دومین انقلاب را کردند. خسرو که حساب خودش را از ساواکی ها سوا کرده بود، می خواست خودش را توی صف انقلابی ها بگنجانند تا خطرات احتمالی را دفع کند. در شلوغی ها خودش را به قاطی هم قطار های لیلی و فرهاد کرد. مجنون هرچه اصرار می کرد که کله داغی بس است دیگر، افافه نمی کرد. لیلی که کله اش بوی قرمه سبزی می داد به اتفاق فرهاد و دوستان شان ریختند و سفارت آمریکا را درب و داغان کردند. حالا خسرو هم یک دانشجوی خط امام بود. یک انقلابی! آنها یک عده را به اسارت گرفتند و اسناد مهمی را به دست آوردند. حتی اسنادی را که توی خرد کن ریخته شده بود رمزگشایی کردند. لیلی که فهمیده بود در آن لانه ی عنکوت چه خبرها بوده کرک و پرهایش

ریخت. مجنون هم که حسایی توی دلش را خالی کرده بود ناگزیر به غلط خوردن افتاد. آنها طوماری نوشتند و از کدخدای بی خدا عذر خواستند. فرهاد اما به راهش ایمان پیدا کرده بود و می دانست از قدیم تا به امروز از کجا خورده. او می دانست نباید از یک سوراخ دو بار گزیده شود. او شیرین ترین لذتش، عزتش، وطنش، و غرورش را به خسرو باخته بود و حالا نه تنها باید دشمنان خارجی که با خسروان داخلی در پوشش انقلابی می جنگید. سال ها از انقلاب می گذشت. از انقلاب دومم به گام دوم انقلاب رسیدیم. مجنون و لیلی خود را باخته بودند. به کدخدای بی خدایی که زیر و بم وجودش را شناخته بودند. پنجه های چدنی اش را می شناختند و زخم هایش را به دوش می کشیدند. اما سعی می کردند آن را با دستکشی مخملی بزک کنند. خسرو که رد خیانت هایش را پاک کرده بود خیانت می کرد و آن را خدمت جا میزد و با خاطری آسوده خواب شیرین از سر فرهاد ها می ربود. فرهاد هم خون در چشم و خاشاک در دهان مجبور بود از میراثش دفاع کند. از کوهی که ریخته بود. از خاکی که می خواستند بر بادش بدهند. و در رویای شیرینی که اجنبی ها تحقش را محال می پنداشتند. اما شور شیرین فرهادش کرده بود

نویسنده : علی بهمنی

# عشق پست مدرن

سرعت ببخشیم. این را هم در گوشی می گویم اما شما به کسی نگوئید، ”کارگر باید شکر گذار کارفرمایش باشد و او را به نوعی بپرستد، با این لطایف الحیل است که میتوان امیدی به مدرن شدن داشت.“ برای ساکت نگهداشتن پوپولیست های طرفدار کارگری که همگی مشتی چپ باقی مانده از زباله دان تاریخ هستند نیز برنامه هایی هست و نگران آن نباشید.

حالا همه اینها را انجام دهید، منتها نگوئید که اسمش بازار آزاد است، چون اگر بگوئید نمیگذارند، ولی اگر انجام دهید کسی ایرادی نمی گیرد.

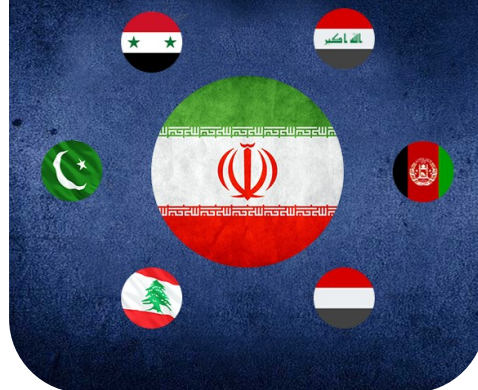
کلمه ای به نام بورژا شنیده اید؟ به جای گرم بحث رسیده ایم. همانطور که در شماره های گذشته گفتیم، ایران مدرن نیاز به اقتصاد قدرتمند دارد. در ادامه هم توضیح دادم که بایستی از کارفرما حمایت شود. حال یک سوال جدی پیش می آید، حمایت از کارفرما را تا کجا باید ادامه داد؟ بگذارید با یک مثال توضیح دهم. اگر شما بخواهید کیفیت اشتغال را بالا ببرید، بایستی کیفیت سوخت را بالا ببرید. جواب ما نیز همین جا است، باید کارفرما فربه شود، آن موقع است که موتور اقتصاد روشن میشود. در این مرحله باید یک انباشت صورت بگیرد. میبایست سرمایه ها در یک گروه مشخص به چرخش در آید. زمانی که رانت ها و فرصت های اقتصادی را در اختیار طبقه ای خاص گذاشتیم، آن موقع میتوان به آینده ایران مدرن امیدوار بود. همچنان با من همراه باشید، گنجینه های جدیدی برایتان دارم.

بگذارید به زبان ساده تر بیان کنم، برای ایجاد یک عدالت مدرن، بایستی کارگران را روزمزد کرد، استخدام رسمی کنار گذاشته شده و یک بازار رقابت بین کارگران بوجود بیاید تا برای کار بیشتر و قیمت ارزان تر با هم مسابقه دهند. سرعت مدرن شدن ایران با چنان شتابی به جلو خواهد رفت که همه انگشت به دهان خواهند ماند. در نهایت نیز همه راضی هستند.

شاید برخی فکر کنند این روش به نفع قشر کارگری است، بله درست خواندید به نفع کارگر! البته من حق را به کسانی که این گزینه را به سود کارگران می دانند، میدهم، اما همانطور که گفتم باید همه را راضی نگهداشت. اقدام بعد فراهم آوردن شرایط مناسب برای سرمایه داران است تا بتوانند شرکت هایشان را گسترش دهند. بایستی دولت به کمک سرمایه داران شتافته و مسیر بزرگ شدن و کنار رفتن کسب و کار های کوچک را فراهم کند. با این روند، شرکت هایی چند ملیتی بوجود خواهند آمد که علاوه بر چرخش مالی گسترده، باعث افزایش شاغلان نیز می شود. (منافع دیگری نیز دارد که بعدا سخن ها خواهم گفت) کسب و کار هایی که نمیتوانند خود را با شرایط وفق دهند میبایست نابود شوند، کمک دولتی به شرکت های کوچک به هیچ عنوان نباید صورت بگیرد تا شرایط رقابتی به هم نخورد. باور کنید که هرچه شرایط را به قوانین جنگل نزدیک تر کنیم، وضعیت بهتر خواهد شد. همانطور که گفتم افراد ضعیف باید نابود شوند، پس چه بهتر که ما هم در این فرایند آتشی بیاوریم و لوکوموتیو مدرن شدن را

# جهان اسلام

نویسنده : علی عمرانی



این گرگ سالهاست که با گله آشناست

داعش یا طالبان؟! چه تفاوتی می‌کند؟! آمریکا برای یک نسل کشی میان مسلمانان، پیاده نظام اسلامی تربیت کرده است

سه شنبه، ۱۳ آبان ۹۹، در ایران مصادف با سالروز میلاد پیامبر، و تعطیل رسمی بود. افغانستان اما در سوگ ۳۵ دانشجوی کابلی این روز را در عزای عمومی سپری کرد. ۲۵ اکتبر حمله‌ی تروریستی مشابهی در کابل رخ داد که منابع آن را به طالبان منسوب می‌دانستند. وجود پرچم این گروه که آغشته به خون جانبازان بوده، و شعاری که در محل حادثه نوشته شده این گمانه زنی را تشدید می‌کند. پس از یک هفته در دوم نوامبر، این بار نوبت به دانشگاه کابل رسید تا در سالروز شهادت دانشجویان ایرانی در سال ۵۷، به خاک و خون کشیده شوند. تاکنون ۳۵ دانشجوی کابلی بر اثر این حمله تروریستی به شهادت رسیده اند. مسئولیت این حمله را داعش بر عهده

گرفت. حمله‌ی هفته قبل نیز کار داعش بوده یا طالبان؟! چه تفاوت...

تکان دهنده ترین خبر از این واقعه ۱۴۲ تماس بی پاسخ، و پیام کوتاه: «جان پدر کجاستی؟» است.

آمریکا برایش تفاوتی نمی‌کند نام یک گروه چیست؟ طالبان، داعش، القاعده، یا لشکر. اون تکفیری ها را به وجود می آورد، تجهیز می‌کند، و با ایجاد ناامنی ها بر عمر نحسش در خاورمیانه می افزاید. ثمره‌ی دو دهه‌ی حضور آمریکا در افغانستان جز ناامنی و آوارگی برای مردم شریف افغان ره آوردی نداشته. در دوره پیشین انتخابات آمریکا، و در مذاکرات انتخاباتی، اذعان شد دولت آمریکا خود به تشکیل و تجهیز داعش همت گمارده است. با مطالعه‌ی تاریخچه‌ی حضور شوروی در این کشور خواهید دریافت آمریکا با تجهیز گروهک‌های مردمی و خودجوش اقدام به تاسیس گروه‌های تکفیری کرده اند. پس از فروپاشی شوروی و فرمان ناپذیری این گروهک‌ها، دولت کره منظر امریکا به بهانه یازده سپتامبر وارد خاک این کشور شد. داعش یا طالبان؟! چه تفاوت؟! آمریکا برای یک نسل کشی میان مسلمانان، پیاده نظام اسلامی تربیت کرده است. و مسلمانان را با دستان مسلمانان از بین می‌برد. در روز مبارزه با استکبار بار دیگر داغی بر دل جهان اسلام نشست که بیش از پیش اهمیت وحدت و یکپارچگی امت‌های اسلامی را به ما گوشزد کرد.

فارسی | KHAMENEI.IR

@Khamenei\_fa



سوال بعدی این است که چرا تردید در  
#هولوکاست جرم است؟ و اگر کسی چیزی  
در این باره نوشت باید به زندان برود، اما  
اهانت به پیامبر آزاد است؟ ۲/

Twitter Web App u00B7 ۲۸ اکتبر ۲۰۲۹



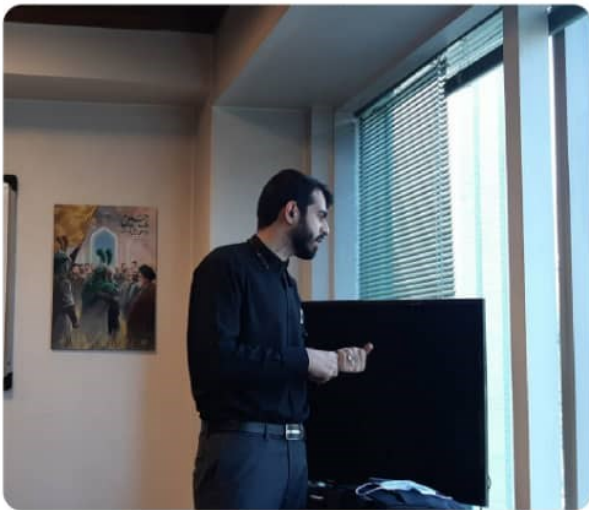
حاج حیدر

@haj\_haydar

بایدن: هدفم بازگرداندن «نجابت» به کاخ سفید  
است!

آقای نجابت! از شما دیگه انتظار نداشتیم:))

Translate Tweet



روح الله نجابت

جلال رشیدی کوچی

@j\_rashidikoochi



اوباما در واکنش به احتمال اعلام پیروزی  
#ترامپ قبل از پایان شمارش آرا "این کاری  
است که یک دیکتاتور ذلیل انجام می دهد!"  
آقای اوباما پس چرا سال ۸۸ تمام قد از  
#میرحسین موسوی حمایت کردید؟  
او نیز چند ساعت قبل از پایان شمارش آرا  
خود را پیروز انتخابات اعلام کرد!

#افول\_آمریکا

#فتنه\_گر

Twitter for Android u00B7 ۳۰ نوامبر ۲۰۱۶

علی رنجبر

@aliranjbar3135

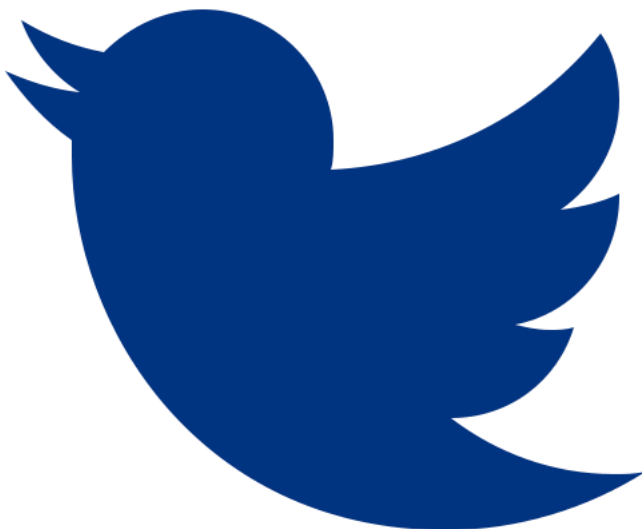


دور کاخ سفید دیوار کشیدن  
مراکز تجاری محافظت کردن  
فروشگاه ها لایه حفاظتی دور خودشان  
میکشن  
گارد ویژه آمریکا در ایالت های مختلف  
مستقر شده

به راستی که وضع آمریکا تماشاییست

#وضع\_تماشایی

pic.twitter.com/vv8kPpSZzW

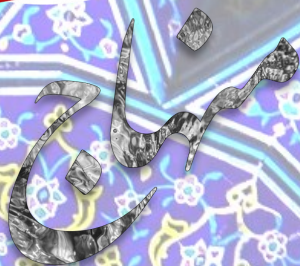


در صبحگاه ۱۳ آبان ۱۳۵۷، حیاط دانشگاه تهران آبدستن حادثه ی سرخی بود. با شدت گرفتن اعتراضات سراسری علیه رژیم ستم‌شاهی، دانش‌آموزان که مدارس را تعطیل کرده بودند به سوی دانشگاه حرکت کردند همراه با دانشجویان در زمین چمن دانشگاه گرد هم آمدند. مأموران رژیم، دانشگاه را محاصره و به حالت آماده باش درآمده بودند. دولت آشتی ملی، دو ماه پیش، در ۱۷ شهریور، از خون مردان و زنان وطن، جوی‌ها جاری کرده بود. شریف امامی و دولتش این بار کودکان و نوجوانان را در برابر خود سینه سپر کرده می‌یافت.

مأموران این بار قهر آمیز تر از قبل عمل کردند. ساعت یازده صبح درحالیکه که درب‌های دانشگاه بسته بود، دانش‌آموزان و دانشجویان غیرمسلح را که تحت محاصره بودند هدف گاز اشک‌آور و گلوله قرار دادند. راه‌گریز برای هیچ‌کسی نبود. آمارها از ۵۶ کشته و صدها نفر زخمی حکایت می‌کرد. پس از انتشار این خبر وزیر علوم استعفا داد و کابینه ی شریف‌امامی، صبح ۱۴ آبان سقوط کرد.

آنابل سربرنی، در صفحه ی ۲۹۴ از کتاب «ارتباطات و انقلاب ایران» که در سال ۱۹۸۵ توسط دانشگاه کلمبیا منتشر شد، از ۱۳ آبان ۱۳۵۷ به «حمام خون» یاد می‌کند.

امام خمینی (ره) که در پاریس اقامت داشت در پیامی فرمود: «عزیزان من صبور باشید که پیروزی نهایی نزدیک است و خدا با صابران است. ایران امروز جایگاه آزادگان است "من از این راه دور چشم امید به شما دوخته‌ام" صدای آزادی‌خواهی و استقلال طلبی شما را به گوش جهانیان می‌رسانم. «چهار روز پس از ورود امام خمینی به ایران در حالیکه دولت شاپور بختیار نفس‌های آخ‌رش را می‌کشید، دانش‌آموزان مدارس تهران در بیانیه‌ای اعلام کردند: ما دانش‌آموزان ایرانی روز شنبه سیزدهم آبان ۱۳۵۷ را به عنوان روز دانش‌آموز اعلام نموده و هر ساله با یاد شهدای جنبش دانش‌آموزی، بر وحدت و یکپارچگی خود خواهیم افزود.



## نویسنده: سید میناق هاشمی

کبر و استکبار از دیدگاه امام(ع) امیرالمؤمنین(ع) واژه کبر را چنین توصیف می‌کند:

۱. بزرگی فروختن از همه عیب‌ها بدتر است.
۲. بزرگی فروختن دام بزرگتر ابلیس است.

و در نهج‌البلاغه (ط ۱۹۲) چنین آمده است: خدای را خدای را (پروا گیرید) درباره نتیجه کیفر فوری و سریع سرکشی، و آینده شوم ستمگری و بدسرانجامی بزرگی فروختن، زیرا همگی دام بزرگتر ابلیس، و جایگاه سترگ‌تر نیرنگ و فریب‌آور است.

در این تعریف امیرالمؤمنین کبر یا بزرگی فروختن را دام بزرگتر و جایگاه فریفتن ابلیس می‌داند؛ زیرا شخصی که خود را بزرگ می‌بیند و برتر از دیگران می‌پندارد، جایگاه انسانی خود را از دست داده است، و فطرت خداجوی و یکتاپرست خویش را با پنداری نادرست آلوده کرده است و در این‌جا است که شیطان بر وابستگان به خود چیرگی می‌یابد: و مصداق گفته ابلیس قرار می‌گیرد که گفت: شخص متکبر از ابلیس پیروی کرده است، و همان حالت را به خود گرفته است؛ در نتیجه دامگه مناسبی و وسیله فریبی برای شیطان می‌گردد.

۳. بزرگی فروختن خویی است نابودکننده، هرکس خود را با آن بسیار نشان دهد کم (ارزش) می‌شود. این حکمت نیز حقیقتی ژرف است، زیرا انسان در جهان آفرینش جایگاهی ویژه دارد، که اگر در جایگاه خود بماند ارزش خود را حفظ می‌کند، و هرچه بیشتر فروتنی نشان دهد بر ارزش او افزوده می‌شود، لیکن چون از جایگاه خود به‌در رود و افزون‌خواهی پیشه کند و خواستار عزت و ارج بیشتری گردد، چون حرکتی ضدتکاملی و ناحق در پیش گرفته است، نه‌تنها به بیش‌دستی نمی‌یابد، به کمی نابود می‌شود، و همچنان ارزش انسانی او رو به کاستی می‌گذارد تا اینکه نابود شود و هیچ نشانی از انسانیت در او نماند

معرفت امام، لازمه آمادگی برای یاری وی یکی از موضوعاتی که در میان دعاها و زیارت‌های مهدوی بسیار زیاد دیده می‌شود، تقاضای توفیق نصرت و یاری امام زمان است. فکر می‌کنید چه رابطه‌ای بین ضرورت معرفت امام و یاری او وجود دارد؟ ضرورت معرفت به امام زمان را می‌توان از زاویه لزوم آمادگی برای یاری وی نیز بررسی کرد زیرا برخی آیات و روایات مهدوی بر لزوم چنین آمادگی دائمی گواهی می‌دهند. خدای سبحان در قرآن کریم خطاب به مؤمنان می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» و این چنین مؤمنان را به «مرباطه» فرا می‌خواند. این آیه یکی از آیات مهدوی است که امام صادق علیه السلام در ضمن تفسیر آن فرمود: ... «وَرَابِطُوا إِمَامَكُمْ الْمُنتَظَرَ؛ و با امام منتظران مرباطه داشته باشید». برای فهم این آیه و حدیث باید به معنای فعل امر «رابطوا» توجه دقیقی نمود و بررسی کرد که خداوند بلند مرتبه به ما انجام چه کاری فرمان می‌دهد. «رابطوا» و «مرباطه» از برای واژه «ربط» در اصل به معنای پیوند زدن، بستن و محکم کردن است و در موارد گوناگونی که استفاده می‌شود به لازمه معنای اصلی آن که عبارت است از ملازمت، مواظبت، مداومت، مراقبت، آمادگی برای مقابله با دشمن که خود نوعی جهاد است، به کار می‌رود. حضرت آیت الله جوادی در این باره می‌فرماید: «مرباطه مصادیق فراوان نظامی، اجتماعی و... دارد، مانند انتظار پس از نماز برای فرارسیدن وقت نماز بعدی، آمادگی و پا به رکاب بودن برای خدا، مرزداری و محافظت از مرزها و آمادگی دائم برای صیانت از حدود و ثغور اسلامی و ایجاد رابطه با آحاد و افراد جامعه و بارزترین و کاملترین مصداق مرباطه، ارتباط با اولیای دین و امامان معصوم است». نویسنده محقق کتاب التحقیق نیز برای مرباطه سه مرتبه می‌شمارد و می‌گوید: «اولین مرتبه آن تحقق ارتباط بین افراد و کسی است که هدایت و رشد مردم را بر عهده دارند- یعنی بین امت و امام- تا با هدایت‌های او هدایت و با ارشاد او رشد یافته و بر طبق امر و نهی رفتار کنند. دومین مرتبه ارتباط درونی بین مردم و امت است تا در بین خود با رحمت

بوده و در یک صف و همچون دست واحد و کلمه واحد در مقابل مخالفان خود محکم و مستقر شوند. مرتبه سوم مرباطه تحقق آن از جهت فراهم نمودن تجهیزات و قوای لازم برای خود و منافع خودشان است. «بنابر آنچه که پس از توضیح واژه «مرباطه» و ارتباط آن با پیوند با امام منتظر و آمادگی برای یاری وی به دست آمد، چنین برمی آید که این ارتباط معنوی و پیوسته به حضرتش لازم و ضروری است چنانچه صاحب کتاب مکیال المکارم می‌نویسد: «معنای دوم مرباطه آن است که مؤمن با امام زمانش مرباطه داشته باشد و تحقق آن به این است که خودش را به ریسمان ولایتش بیاویزد و به تبعیت و نصرتش ملتزم باشد و این قسم از مرباطه بر تمام افراد واجب عینی بوده و نیابت بردار نیست و آن، رکنی از ارکان ایمان است و خدا عملی را بدون آن قبول نمی‌کند». دلیل وجوب به دست آوردن آمادگی برای یاری امام نیز روشن است زیرا: اول؛ ظهور امام ناگهانی است چنانچه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود: ... «فَإِنَّ أَمْرَنَا بَغْتَةً فُجْأَةً». دوم؛ حضرت مهدی هنگام ظهور ندای نصرت خواهی می‌طلبد و می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا نَسْتَنْصِرُ اللَّهَ وَ مَنْ أَجَابَنَا مِنَ النَّاسِ... قَالَ اللَّهُ فِينَا لَا تَخْذُلُونَا وَ أَنْصُرُونَا يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ؛ ما از خدا و هر کسی از مردم که خواسته ما را اجابت کند، طلب نصرت و یاری می‌کنیم؛... پس شما را به خدا قسم که ما را خوار نکنید و یاریمان کنید تا خدا نیز شما را یاری کند». سوم؛ پاسخ ندادن به ندای نصرت خواهی امام موجب شقاوت و بدبختی است چنانچه در حادثه عاشورا آمده است که «امام حسین علیه السلام ره سپرد تا به قطقطنیه منزل کرد و خیمه ای بر پا دید، فرمود این خیمه از کیست، گفتند از عبید الله بن حمرّ حنفی؛ امام حسین علیه السلام به او پیام داد که ای مرد! تو گنجهکاری و اگر در این موقع توبه نکنی و مرا یاری نکنی تا جدم برابر خدای تبارک و تعالی شفیع تو باشد، خدای عزوجل بدان چه کردی مؤاخذهات کند. زیرا هر که فریاد و شیون ما را بشنود و اجابت نکند، خدایش وی را در دوزخ اندازد». بنابر این کسانی که در حسرت یاری امام حسین علیه السلام هستند و ندای «یا لیتنا کنا معک» سر می‌دهند باید بدانند که عاشورای دیگری در پیش است و پیش از اینکه دیر شود باید برای یاری او آماده شوند تا به سرنوشت کوفیان دچار نگردند چرا که آمادگی یک باره به دست نمی‌آید و باید پیش از رسیدن زمان قیام و ندای یاری خواهی حضرت، آماده بود.

## مکتب امام (ره)

ما شعار مرگ بر آمریکا را در عمل جوانان پرشور و قهرمان و مسلمان در تسخیر لانه فساد و جاسوسی آمریکا تماشا کرده‌ایم. هرچه فریاد دارید بر سر آمریکا بکشید. دانشجویان مسلمان و مبارزی که لانه جاسوسی را اشغال کردند ملت را سرافراز کردند. آمریکای جهان‌خوار بداند که ملت عزیز، تا نابودی کامل منافعش او را راحت نخواهد گذاشت.



پیروزی انقلاب اسلامی ایران که گام بزرگی در تحقق مردم سالاری دینی در کشور و حاکم شدن اراده مردم بر سرنوشت خویش بود، با پیشگامی جنبش دانشجویی در اکثر حوادث سرنوشت ساز پس از انقلاب همراه بود. تسخیر لانه ی جاسوسی، انقلاب فرهنگی در دانشگاه ها و حضور در جبهه های جنگ تحمیلی و... از اقدامات درخشان جنبش دانشجویی در دوران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی است که آرمانخواهی و عدالت طلبی دو ویژگی اصلی آن می باشد. به هر روی جنبش دانشجویی علی رغم تمامی فراز و نشیب ها و دگردیسی در برخی از تشکل های دانشجویی همچنان ایفای نقش می کند. این اثر روایت های دانشجویان قدیم و فعلی از روند جنبش دانشجویی در برهه های مختلف و میزان تأثیرگذاری آنان در سیر حوادث می باشد.

## تاریخ شفاهی جنبش

## دانشجویی مسلمان

نویسندگان: امیرحسین ثابتی منفرد | محمدحسن روزی طلب

